چرا تلویزیون در رقابت با سریال‌سازی شبکه نمایش خانگی ضعیف شد؟

پول، سانسور یا فقر مدیریت؟!

سیدمهدی موسوی‌نیار
روزنامه‌نگار

قیاس شبکه نمایش خانگی و تلویزیون از نظر قدمت بیشتر شبیه به یک شوخی است. مبنای اولین تولید پخش خصوصی در حوزه سریال را اگر حتی «فضانوردان» در سال ۸۵ بدانیم هنوز عمر این رسانه به ۲۰ سال هم نرسیده است. در سال‌های اخیر و با ورود قدرتمند پخش‌های اقتصادی به حوزه شبکه نمایش خانگی، شاهد افزایش تعداد این سریال‌ها هستیم، از آن‌سو تلویزیون با کلایه از کاهش بودجه و درآمدش مسائل مالی را باعث نبود تولیدات با کیفیت عنوان می‌کند. اما آیا همه این تفاوت‌ها در بحث مالی است؟ پاسخ به این سوال حتما منفی است. سریال‌هایی درحال حاضر در شبکه نمایش خانگی تولید و توزیع می‌شوند که هزینه‌های بالایی برای آن‌ کار صرف شده است اما در عمل شاهد یک اثر بشدت ضعیف و حتی مبتذل هستیم. از آن طرف هم در تاریخ تلویزیون به یاد داریم که سریال‌هایی با بودجه اندک ساخته شدند و توانستند مخاطب را مدت‌ها پای تلویزیون بنشانند. حتما مساله مالی در انتخاب بازیگران و حتی تنوع لوکیشن و تعداد قسمت‌ها موثر است اما پای عوامل دیگری هم در میان است. مدیریت صحیح منابع مالی و انسانی، پرهیز از اعمال سلیقه‌هایی که نه مبنای شرعی دارند و نه قانونی، اعتماد به هنرمندان و حمایت از آنها، بهره بردن از مشاوران کاربلد و نه رفقای همفکر، پذیرفتن اینکه زمانه تغییر کرده است و شاهد سبک زندگی دهه‌شصتی نیستیم، ازجمله عواملی است که می‌تواند باعث جذابیت بیشتر سریال‌های تلویزیونی و حتی شبکه نمایش خانگی شود. شاید در نگاه اول وجود یک رقیب برای سریال‌های تلویزیونی به مذاق مدیران تلویزیون خوش نیاید اما در یک بستر مناسب و شرایط عادلانه در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌تواند به طرفین کمک کند. جذب کارگردان‌ها و بازیگران توسط شبکه نمایش خانگی اکثرا به دلیل مسائل مالی است اما بسیاری از کارگردان‌ها هم هستند که از وجود نظرات‌های مختلف در مراحل کاری گوناگون توسط مدیران تلویزیون خسته شدند؛ کارگردان‌ها و تهیه کنندگانی که گلایه دارند از اینکه چرا مدیران تلویزیون پای مجوزی که خودشان می‌دهند هم نمی‌ایستند. بازیگری که نقشش توسط دوستان مجری تلویزیون شرح‌حشره می‌شود بدیهی است که با اولین پیشنهاد مالی مناسب شبکه نمایش خانگی به آنجا برود. هرچند می‌داند تعداد مخاطبان تلویزیون اساسا قابل‌قیاس با شبکه نمایش خانگی نیست. پس چه چیزی باعث می‌شود که قید فراگیر بودن مخاطبان را بزند و برود سمت بخش محدود و خصوصی. البته که در شبکه نمایش خانگی هم فرمولی برای سنجش تعداد مخاطبان وجود دارد که شبیه تلویزیون نیست. یعنی یک کاربر اینترنتی را هم اندازه یک نفر در نظر نمی‌گیرند و تعداد بیشتری را محاسبه می‌کنند اما بازهم فاصله زیادی بین تماشاگران انبوه تلویزیونی با مخاطبان شبکه نمایش خانگی است. دلیل گرایش هنرمندان به شبکه نمایش خانگی چه پول باشد چه فرار از کاغذبازی‌ها و محدودیت‌های سلیقه‌ای تلویزیون اما درنهایت به اقتصاد هنر در بلندمدت لطمه خواهد زد. حتی خود هنرمندان هم اگر اندکی باهوش باشند نباید از چندبرابر شدن یک‌دفعه‌ای دستمزدشان خوشحال شوند، زیرا سرمایه‌گذاران سریال‌های نمایش خانگی همیشه نیستند و ممکن است فردا جای دیگری سرمایه‌گذاری کنند و تهیه‌کنندگان واقعی و قدیمی تلویزیون و سینما دیگر نمی‌توانند دستمزدهای بالا بدهند و سراغ کارگردان‌ها و بازیگران ارزان‌تر می‌روند.

مسعود اطیابی، کارگردان سریال «کامیون»:

مشکلی به‌نام مدیریت در تلویزیون

سریال‌سازی در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی چه تفاوتی با هم دارد؟

تلویزیون فراگیری بیشتری نسبت به شبکه نمایش خانگی دارد. ظاهرا برای مردم هم هزینه ندارد و بدون انتخاب، سریال‌ها را تماشا می‌کنند. مخاطب تلویزیون انبوه‌تر است. سریال در شبکه نمایش خانگی انتخاب می‌شود و رقابت سخت‌تر است، سریال‌سازی در نمایش خانگی هم سخت‌تر خواهد بود و هم باید کیفیت بهتری داشته باشد، اما اینکه چه تفاوتی با هم دارند بخشی از آن در مسیری هاست، یعنی وقتی در تلویزیون قرار است سریال نمایش داده شود قطعا مخاطب انبوه‌آن را انتخاب نمی‌کند و باید کمترین چالش را با مردم داشته باشد. این امر درستی است. اینکه آیا تلویزیون در برخی سریال‌های نمایشی خوب عمل می‌کند، سوال ویژه است. چند سالی است شاهد هستید هر فیلمساز و برنامه‌سازی که وارد تلویزیون می‌شود موفق نیست. ریشه این مساله را باید بررسی کرد.

این موفق نبودن به دلیل کمبود بودجه در تلویزیون است؟

خیر. اتفاقا در تلویزیون پول زیاد خرج می‌شود. دوربیز پول آنها زیاد است و زیاد به بودجه برنمی‌گردد. درست است که بودجه را به درستی هزینه نمی‌کنند و در تلویزیون عدالت رعایت نمی‌شود. در عید چهار سریال نمایشی داریم یکی ۲۵ میلیارد برآورد دارد، دیگری ۱۰ میلیارد برآورد دارد و دیگری ۶ و دیگری ۴ میلیارد برآورد دارند. اینها تناسبی باهم ندارند. نه ۲۵ میلیاردی درست است و نه ۶-۷ میلیاردی درست است. این اختصاص بودجه‌ها براساس رفاقت است. یک مشکل عمده تلویزیون مدیریت متمرکز است. مدیریت از بالا به پایین است و این اجازه کار را به هیچ فیلمسازی نمی‌دهد. تجربه تلخی را دارم. کاری که کیفیت آن را مدیران تلویزیون پایین آوردند. بشدت تلویزیون از مدیریت لطمه می‌خورد؛ از ناظر گرفته که نمی‌دانست چه کار می‌کند و چرا این مسیر را طی می‌کند. بالاتر از آن تجمیع نظری در تلویزیون وجود دارد که متاسفانه اجازه کار نمی‌دهد. اگر جمع‌بندی نظرات بود، خیلی بهتر می‌شد. شوراهایی دارند که هرکسی نظری دارد و آن نظرات صورتجلسه می‌شود. جمع‌بندی نمی‌شود که بگوییم هفت نفر هستند و هرکسی یک نظری دارد و مثلا کدام نظر پنج رای دارد. اصلا این‌طور نیست. نظر هر هفت نفر باید اجرا شود. این امکان کار خوب ساختن را نمی‌دهد. هیچ یک از سریال‌های تلویزیون را نباید به اسم فیلمساز بزنید. اسم مدیران تلویزیون را باید بزنند که کار و نظارت می‌کنند. کیفیت کار در تلویزیون مربوط به سازندگان نیست. این را باید همه بدانند. مسئول کیفیت کار خود تلویزیون است و وقتی مسئول کیفیت کار کارگردان و تهیه‌کننده است که اختیار داشته باشد کار کند، نه اینکه سناریو بنویسند و سناریو را چپ و راست کنند و نفهمیم سریال چه وضعی دارد. ۱۰ سکانس از قسمت ۲۷ را گرفتند و بدون اینکه بدانید یک چیز دیگری جسباندند و موقع پخش هزار نظارت انجام می‌شود. همان کسانی که خودشان گفتند دوباره نظارت چندلایه می‌کنند. نظارت چندلایه خوب است به شرطی که یک جمع‌بندی از نظرات نظارتی باشد نه اینکه هرکسی هر چیزی گفت باید عمل شود و درنهایت با انبوهی از سریال‌ها مواجه می‌شوید که چند مورد را با کیفیت برای مردم می‌بینید؟

موقع ارزیابی هر کسی رفیق داشته باشد ارزیابی مثبت می‌گیرد و هر کسی رفیق نداشته باشد ارزیابی منفی می‌گیرد. این درست نیست. باید هزینه‌ای که صرف کردید و همچنین ارزیابی را در کنار این عوامل در نظر بگیرید. در مقایسه با هم ارزیابی شود. یک سریال بدآموزی داشت و سروصدا کرد، ارزیابی مثبت می‌دهید چون رفیق‌شان است و یک سریال بدآموزی نداشته و به آن ارزیابی منفی می‌دهید. در کارهای خرد دخالت می‌شود، در انتخاب بازیگر دخالت می‌کنند، بازیگر تحمیل می‌کنند بدون اینکه درگی داشته باشند.

یعنی نظرات مدیران تلویزیون تا این حد زیاد و تاثیرگذار بود؟

نظر من اینچنین است. تلویزیون اگر می‌خواهد کار خوب ارائه دهد مدیر شبکه اختیار صفر تا صد کار خود را باید داشته باشد. فرض کنید به من ایراد می‌گیرند چرا این دختر و پسر با هم در یک ماشین نشسته‌اند و این را باید از سریال دربیاورید. شما مفهوم زندگی و اجتماع را باید بدانید و بعد خودشما کجا زندگی می‌کنید؟ چه کسی هستید که به من این ایرادات را می‌گیرید؟ کجای کار هستید؟

در تلویزیون این اتفاق رخ می‌دهد. تلویزیون به صورت سریال نمایشی متمرکز در یک جاست و آن یک جا هم به همه امور نمی‌رسد و مدیر شبکه هم اختیاری ندارد. نه اختیار تصویب دارد، نه اختیار کنترل دارد، نه اختیار نظارت دارد، نه اختیار مشاوره دارد. هیچ اختیاری ندارد. اختیار مدیر شبکه صفر است. می‌گویم این چه چیزی است که نوشته‌اید می‌گوید این را به مدیر شبکه بیان کردیم و باید انجام دهد. اینجور که پشت سر مدیر شبکه حرف می‌زنید کسی آن را تحویل نمی‌گیرد.

دلیل اقبال مردم از شبکه نمایش خانگی برنامه منظم و قصه است؟

در آنجا فیلمنامه را ارائه می‌دهید و مصوب می‌شود. کارگردان و تهیه‌کننده با هم توافق می‌کنند و فیلم را می‌سازند و نظارت روی آن می‌شود و نهایتا دو سانسور به آن می‌خورد. مشخص است که کیفیت در آنجا بالا می‌رود. حداقل در ساختار و محتوایی هم بخواهند مخاطب انبوه در رقابت داشته باشند سعی می‌کنند برای محتوا کاری کنند اما در رسانه ملی با بودجه دولتی این حساسیت وجود ندارد. بنابراین باید منصف باشیم نسبت به نیمی که چهار، پنج ماه در شرایط سخت کار می‌کنند، محصولی کسانی که در شرایط کرونا کار می‌کنند. این چیز عجیب و غریبی است. نمی‌دانید با چه مصیبتی فیلم را می‌سازند. این مدیران زیر کولر گازی نشسته‌اند و متوجه این سختی‌ها نیستند.

در تلویزیون ما تا سیستم مرکزی آن از بین نرود فایده‌ای ندارد. مدیران هر شبکه‌ای باید اختیار تام داشته باشند و پاسخگوی برنامه‌های خود نیز باشند. اگر برنامه‌ای بد بود، پاسخگو باشند. کیفیت کار من بد باشد پاسخگو نیستم چون نظر داشتم و لحظه به لحظه نظارت می‌کرد. پخش هم برای خود سریال را لالا و پایین کرده و حتی مونتاژ آخر را خودشان زدند و اصلا نفهمیدیم چه کاری کردند. با چیزی مواجه شدیم که خودمان هم نفهمیدیم چطور به هم چسباندند و پس و پیش کردند. با این شرایط چه کسی می‌تواند کار کند؟ مسئولیت چه چیزی را می‌خواهید برعهده بگیرید؟ من باشم به خاطر ۱۰-۱۵ سریال پخش شده از عید تا کنون، از رئیس سازمان تا پایین را اخراج می‌کردم. تا پایین‌ترین آدمی که ناظر یک پروژه است را بازخواست می‌کردم که این سریال چاپسی؟

گفت‌وگو با زینب تقوایی، تهیه‌کننده سریال «دودکش» و «مدینه»:

اگر بستر اقتصادی تلویزیون فراهم باشد، کارگردان‌ها سمت شبکه نمایش خانگی نمی‌روند

عده‌ای اعتقاد دارند کیفیت بالای سریال‌های شبکه خانگی باعث شده بدبه‌شوند و عده‌ای دیگر می‌گویند محدودیت‌های کمتر این حوزه دلیل اصلی است. آیا مسائلی مانند اینکه نقش حجاب در شبکه نمایش خانگی کمتر است یا ترس در آن نمایش داده می‌شود و یا شوخی جنسی می‌کنند، باعث برجسته شدن جایگاه شبکه نمایش خانگی شده و یا ضعف صداوسیما موجب این مساله شده است؟

مجموعه عوامل در این زمینه موثر است. نمی‌توان گفت یک عامل باعث شده رخدادی در این اندازه شکل گیرد. در بحث شبکه نمایش خانگی چند اتفاق رخ می‌دهد که همگی موثر هستند. یک عامل جلوه‌های بصری است. طبیعتا بخش مهم فیلمسازی جلوه‌های بصری است. جلوه‌های بصری شبکه نمایش خانگی به لحاظ فضاهایی که نمایش می‌دهند به حوزه مالی و اقتصادی آنها برمی‌گردد. عموما بودجه‌هایی آنها چندین برابر بودجه‌های سریال‌های تلویزیونی است و از طرفی این توانایی را دارند سناریوهای تلویزیون و سینما را به‌راحتی جذب کنند که این اتفاق برای تلویزیون خیلی سخت رخ می‌دهد. فاصله برآورد‌ها و بودجه‌های تلویزیون با شبکه نمایش خانگی بسیار زیاد است.

به‌عنوان کسی که در این حوزه کار می‌کند باید بگویم یا فاجعه روبه‌رو هستیم. نمی‌توانم به‌سمت این بروم که از سروته کار برنم. نمی‌توانم از لوکیشن، خیلی جذب نیست. من کاری به آزادی بیان ندارم اما برخی از آنها، چرک و کثیف است. کارهای چرک و کثیف راحتی در سریال‌های خارجی هم شاهد نیستید. این که نویسنده‌ای می‌خواهد توانمندی خود را به‌وسیله کارهای چرک به رخ بکشد که کار او دیده شود، هنری نکرده است. اگر می‌شد برای مردم ایران بنویسد که با فرهنگ مردم ایران همخوانی داشته باشد و از جذابیت لازم هم برخوردار باشد.

درباره محتوای برخی سریال‌ها با شما موافق هستم. اما سوالم اینجاست که مثلا سریال‌هایی چون گرگدن و هم‌گناه با دل یا مانکن و... می‌توانند در تلویزیون پخش شوند؟

خیر، من با توجه به اینکه الان اینجا کار می‌کنم، می‌دانم امکان این وجود ندارد و اگر بخواهد انجام شود باید با روتوش‌های اساسی باشد. نکات محتوایی هم داریم مثلا موضوعاتی در جلسات در تلویزیون مطرح می‌شود که واقعا حساسیت‌های بیش از اندازه است. یک‌سری از این حساسیت‌ها و نظرات در شوراها توسط افراد باتجربه کمک کننده است. ولیکن در جایی حساسیت قدری زیاد می‌شود. آنجاها که به تیغ است و باید بتوانیم مدیریت کنیم که از سوی دیگر باز نیفتیم. این حساسیت‌ها هم جاهایی در تلویزیون وجود دارد و تصور من این است که در آینده اوضاع بهتر شود. برای تلویزیون ظرفیت مخاطب ۲۰ میلیونی امر عادی است. در سیستان‌وبلوچستان در مرز کشور، شرایط دیدن کار شبکه نمایش خانگی را ندارند ولی تلویزیون تماشایی می‌کنند. اگر شما این بخش را به‌نحوی خلق کنید و افراد را به‌سمتی ببرید که با تلویزیون کار کنند، این حوزه ظرفیت زیادی دارد و نمی‌تواند. مثلا حاکم بی‌بی آن آدمی که در شهرهای مرزی کشور زندگی می‌کند، چیست؟ برای پمرزنی که نمی‌تواند فیلیوم و نماوا را نصب کند، چه برنامه‌ای دارید؟ تلویزیون رایگان در دست مردم است.

به نظر من شبکه نمایش خانگی مرحله‌ای از نظام سرمایه‌داری است. برای من الان انتخاب بازیگر امکان‌پذیر نیست، چون همه سر کارهای شبکه نمایش خانگی هستند. بازیگر باید معرفی کنم و یکی از کارهای ما این است که از بین بچه‌های با استعداد و تئاتری بازیگر انتخاب کنیم. همین افراد را به تلویزیون می‌آوریم و در حجم بالا دیده می‌شوند و فرد در حوزه شبکه نمایش خانگی فعالیت می‌کنند.

ممکن است در شبکه نمایش خانگی کار کنید؟

احتمال این وجود دارد کسانیکه خیلی از بخش‌ها آمده‌اند و صحبت هم کرده‌ایم. دفاتر ما هستند کمپانی می‌شود. وقتی سریال می‌سازم این دفتر باید بچرخد. شاید یک‌سری تیم باشند که به‌سمت شبکه نمایش خانگی بروند. در روابط بین سینما، تلویزیون و نمایش خانگی اتفاق بدی نیست. ما سعی کنیم خوب‌ها را جدا و از بخش‌های بدبه‌سمت تلاش نخود رامی کنیم و قطره‌چکانی می‌توانند بروی پروژه‌ها بیاورند. عنادی نداریم بگویند به پروژه تقوایی بول ندهید و به پروژه دیگری بول بدهید، اتفاقا اصلا چنین نیست. چیزی که من شاهدم این است که عنادی با کسی وجود ندارد. در پروژه‌هایی چون پایتخت خیلی اسپانسر هم البته می‌شود. اتفاقا از نظر من تلویزیون به‌شدت مشکل بود چه دارد.

بسیاری اعتقاد دارند صداوسیما اتفاقا مشکل مالی ندارد و فقط مشکلش مدیریت ضعیف مالی است. یعنی هدر رزبو پول در صداوسیما زیاد است. مثلا یکی از سریال‌های نوروز ۲۵ میلیارد بودجه داشته است و اگر صداوسیما بخواهد می‌تواند تامین بودجه کند.

احتمالا منظورتان پایتخت است. برای کسی که می‌گوید صداوسیما پول دارد، عرض می‌کنم چیزی که من می‌بینم این است که در سال یکی دو پروژه شبیه پایتخت را می‌توانند جلوبرد. برای بقیه پروژه‌ها نمی‌توان این میزان هزینه کرد. اتفاقا صداوسیما مشکل بودجه دارد. به نظر من مدیر شبکه یا مدیر سیما دل شان نمی‌خواهد کار به دست بخش شود. او هم دوست دارد همه پروژه‌ها به آن حد از استاندارد برسد ولی این کشش را از نظر مالی ندارد. چیزی که امروز من از صداوسیما می‌بینم، این است که دوستان در صداوسیما در وضعیت کرونا و مشکلات اقتصادی درگیر کار هستند و تلاش می‌کنند. مدیریت بحث‌ها که در رده‌های پایین هستند تلاش نخود رامی کنند، سعی می‌کنند همدیگر را همپوشانی کنند. یک‌سری از چیزها را از آن طرف برمی‌دارید و اینجا می‌آورید ولی الان واقعا اگر در تلویزیون دغدغه‌مند هستند، کمک شود، فکر می‌کنم نه‌تنها من بلکه خیلی از آدم‌های دیگر تمایل دارند در تلویزیون کار کنند.

وقتی بازیگری در تصمیمات شبکه نمایش خانگی ماهی ۲۰۰ میلیون دریافت می‌کند، می‌توانم به او بگویم در تلویزیون با ۱۵۰ میلیون کار کند، نه اینکه با ماهی ۵۰ میلیون کار کند! باید واقعیت را بپذیریم ولی بخش خانگی بسیاری از تعادل‌ها را به هم زده است. کسانی در آن کار کردند که خیلی درست به کار مسلط نبودند و پول‌هایی دادند که خوب نبوده و طرف معادلات کاری را به هم زده است و دستمزدهایی پرداخت شده که در سینما و تلویزیون مرسوم نبوده است. الان تلویزیون دچار چالش شده ولی سینمای ما هم دچار چالش می‌شود. بازیگر نداریم که فیلم سینمایی کار کنیم.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

گفت‌وگو با صادق یاری، تهیه‌کننده مجموعه‌های «ممنوعه» و «کرگدن»:

شبکه نمایش خانگی رقیب تلویزیون نیست

برخی سریال‌های شبکه نمایش خانگی مورد استقبال مردم قرار گرفته‌اند و آن را پیگیری می‌کنند. به نظر شما می‌توان گفت که گرایش مردم به‌سمت سریال‌های نمایش خانگی، به این دلیل است که تلویزیون نمی‌تواند به خوبی ایفای نقش کند؟

وقتی شما دریک کار هزینه‌می‌کنید عمدتا نتیجه کار بهتر خواهد بود. خروجی بهتری هم می‌شود و مخاطب دنبال خروجی با کیفیت است. عمدتا سریال‌هایی که شبکه نمایش خانگی می‌سازد هزینه بیشتری برای تولید آن می‌کند و این باعث می‌شود بازیگران بزرگ‌تری را جذب کنند. می‌توان گفت بازیگران سوپراستارتر را جذب می‌کند. البته در تلویزیون هم سریال‌های خوب کم نداریم. بستگی به سلیقه دارد. مردم به شبکه نمایش خانگی اعتماد پیدا کردند. البته در تلویزیون هم سریال‌های خوبی پخش می‌شود و مخاطب‌های خاص خود را دارد. سریال «ن خ» و «پایتخت» سریال‌های پرطرفداری بودند که در تلویزیون پخش شدند.

بحث محدودیت‌ها چقدر تاثیرگذار است؟ به‌طور واضح مثلا سریال «کرگدن» در تلویزیون قابل‌پخش است؟

بایک‌سری تغییرات جزئی می‌تواند قابل‌پخش باشد.

تغییرات فرمی یا محتوایی؟

تلویزیون یک رسانه فراگیر است. شبکه نمایش خانگی رسانه فراگیر نیست. وقتی رسانه فراگیر است انگار فیلم سینمایی را در سینما تماشا می‌کنید و برآن ۱۸+ نوشته است، آن هم برای خود یک‌سری محدودیت‌های خاص دارد. شبکه نمایش خانگی هم محدودیت‌های خاصی دارد و نوع سلیقه و ذائقه آن متفاوت است ولی بازاختیاری است و هزینه‌ای برای آن پرداخت می‌شود و مردم این را مشاهده می‌کنند. درحالی که مردم برای سریال‌های تلویزیون هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند.

اگر بخواهیم تقسیم‌بندی در علل موفقیت کنیم، سهم بودجه چقدر است؟ تنها تفاوت کیفیت سریال‌های شبکه نمایش خانگی با تلویزیون فقط بحث هزینه و بودجه است یا اعمال سلیقه، محدودیت‌ها یا قصه‌های تکراری هم تاثیرگذار است؟

تهیه‌کننده و کارگردانی که در شبکه نمایش خانگی کار می‌سازد، تهیه‌کننده و کارگردانی است که برای تلویزیون هم کار می‌سازد و خواهد ساخت و همه در این کشور پروانه ساخت می‌گیرند، پروانه نمایش می‌گیرند. به نظرم جنس مخاطبان فرق می‌کند. تلویزیون یک‌سری مخاطب را دروشبکه نمایش خانگی هم مخاطبان خودش را دارد. به نظر من اگر بخواهم بگویم فقط بحث سرمایه و هزینه کم که در شبکه نمایش خانگی تاثیرش بیشتر است، درست نیست و نوع سخت و سلیقه‌نیز تاثیرگذار است. شاید محدودیت سلیقه در سازمان وجود داشته باشد.

با برخی منتقدان که صحبت می‌کنم حرف‌شان این است که جذابیت‌های بصری که در سریال‌های شبکه نمایش خانگی است طرفداران بیشتری دارند. مردم به واقعیت‌هایی که نشان داده می‌شود بیشتر تمایل دارند. انگار کموفتی یک‌سری کلیشه‌ها در شبکه‌نمایش خانگی شکسته‌می‌شود برای مخاطب جذاب می‌شود.

من قبول نمی‌کنم که سریال‌ها خاطرخرابی مسائل متلاشل حجابی یا مسائل کلیشه‌ای دیگر دیده می‌شود. اگر این گونه باشد باید سریال‌های خارجی و ترکی کل تلویزیون و شبکه نمایش خانگی ما رابگیرند. نمی‌توان این رابیان کرد ولی نمی‌توان منکر این شد که نوع لباسی که بازیگران در تلویزیون می‌پوشند متفاوت از نوعی است که در شبکه نمایش خانگی وجود دارد. اما این را هم در نظر بگیرید که مخاطب در شبکه نمایش خانگی، محتوا را رایگان دریافت نمی‌کند یا به‌صورت دی‌وی‌دی خریداری می‌کند یا پول دانلود می‌پردازد یا پول اشتراک خریدن می‌دهد. در تلویزیون این اتفاق نمی‌افتد. مخاطب به‌صورت رایگان فیلم می‌بیند و سلسلا وقتی رایگان تماشا می‌کند، انتظار زیادی هم نباید از محتوا و فضا داشته باشد. وقتی در شبکه نمایش خانگی پول پرداخت می‌کند انتظارات بیشتری هم دارد. انتظار دارد سریال رک و لعاب بیشتری داشته باشد. دوست دارد از لحاظ پروداکشن و پس‌تولید و همه چیزها خروجی بهتری داشته باشد.

بسیاری از کارگردانان تهیه‌کننده‌ها در رقم‌هایی که در شبکه نمایش خانگی رو دودل می‌شود به‌ما حسد می‌شود کارگردان‌ها و بازیگران به آنجا بروند و درنهایت سریال‌های تلویزیونی ضعیف به‌خورند. چنین امری واقعیت دارد؟

یکی، دو پروژه بود که این اتفاق برای آنها رخ داد و زیاد نمی‌خواهم وارد آن شوم. من هم می‌گویم تا جایی که می‌توان باید تعادل را لحاظ کرد ولی یکی، دو مورد در شبکه نمایش خانگی داشتیم که اتفاقات خوبی در آنها رخ نداده است.

شما ترجیح می‌دهید در شبکه نمایش خانگی کار کنید یا تلویزیون؟

من می‌گویم شبکه نمایش خانگی فرزند تلویزیون ماست. نباید زیاد رودنده‌کارم. قصد ما تولید محتوا برای خانواده ایرانی است، چه در صداوسیما باشد، چه در شبکه نمایش خانگی. صریح‌تر بخواهم بیان کنم چه در شبکه خانگی و چه در سازمان صداوسیما یک هدف را دنبال می‌کنیم و تولید محتوا می‌کنیم و فرقی هم در شبکه نمایش خانگی و صداوسیما نیستیم. بیشتر فرقی ما سریال‌های ترکیه‌ای هستند که سریال‌هایی می‌سازند که اصلا با ذائقه ما هم‌ارز نیست و اتفاقاتی که در این سریال‌ها رخ می‌دهد، این است که فرهنگی که با سبک زندگی ما همخوانی ندارد در فرهنگ ما رسوخ می‌کند. رقیب ما سریال‌های خارجی است که می‌توانند در فرهنگ تاثیر بدی داشته باشد. نه شبکه نمایش خانگی رقیب تلویزیون است و نه تلویزیون رقیب شبکه‌نمایش خانگی است. اینها در کنار هم فعالیت می‌کنند.

یادداشت

۱۲ سال پس از درگذشت شکیبایی، هنوز مردم و منتقدان او را فراموش نکرده‌اند

چرا «خسرو شکیبایی» هنوز زنده است؟

مجتبی اردشیری
روزنامه‌نگار

سینمای ایران، تاکنون بزرگان بسیاری را در حوزه بازیگری از دست داده است، اما اغراق نیست اگر ادعا کنیم هیچ بازیگری به‌اندازه خسرو شکیبایی نتوانسته تا این اندازه‌پس از مرگ، محبوبیت و شهرت خود را میان طبقات اجتماعی مردم و البته منتقدان حفظ کند. هنوز هم صدا و بازی‌های شکیبایی، در شبکه‌های اجتماعی، میان مردم، دست‌به‌دست می‌شود و تلویزیون در مقاطعی، اقدام به پخش سریال‌ها و فیلم‌های او می‌کند. اما این میزان محبوبیت و طولروت تا امروز که ۱۲ سال از درگذشت شکیبایی می‌گذرد، از کجا نشأت می‌گیرد؟ در ادامه به مهم‌ترین این موارد اشاره می‌کنیم.

انتخاب‌های درست

خسرو شکیبایی خیلی دیر به حامعه بازیگری سینما و تلویزیون کشور معرفی شد. سال‌ها تئاتر بازی می‌کرد و در ابتدای دهه ۶۰ در چند فیلم ازجمله «خط قرمز» مسعود کیمیایی که توقیف شد و راهی برای شکیبایی در سینمای ایران باز نکرد، حضور یافت. تمام این بدشانسی‌ها و اوباما هامون، مرتفع شد. مهرجویی، شکیبایی را که تا آن زمان، چند فیلم در سینما بازی کرده بود و بیشترین شهرتش در تئاتر بود، کشف کرد و به او میدان داد تا نقش اول مهم‌ترین ساخته کارنامه کاری‌اش را بازی کند. این ریسک برای هر دو طرف بسیار خوش‌یمن شد و این فیلم ماندگار، سکوی پرتابی شد برای شکیبایی. اما قاعده ماندگاری در سینمای آن سال‌ها، تنها به معروفیت نبود. چه‌بسا بازیگران سرشناسی که در آن سال‌ها خانه‌نشین شده بودند و استقبالی از آنها صورت نمی‌گرفت. شکیبایی در ادامه راه، دست به انتخاب‌های درستی زد. با آنکه در یک فیلم متصل به طبقه روشنفکر بازی کرده بود، اما هیچ مرزبندی‌ای برای فعالیت‌های خود

قائل نشد؛ سیاستی که تا پایان عمر بدان وفادار ماند و مال‌کرایر مقبولیت فیلمنامه گذاشت. با آنکه به‌واسطه بازی در فیلم «حمید هامون»، شهرتی افسانه‌ای برای او رقم خورده بود و برخی در دانشگاه‌ها، کلاس‌های آزاد بازیگری و فن‌سل نوادیش به‌تمعیت از این نقش، لباس می‌پوشیدند، حرف زده و رفتارمی کردند، اما حاضر شد در سریال هم بازی کند؛ اصلی که تا آن زمان در میان ستاره‌های سینما رواج چندانی نداشت. «روزی روزگاری» را بازی کرد، در فاصله کمی، با احمدرضا درویش که به‌لحاظ فکری، ۱۸۰ درجه با داریوش مهرجویی تفاوت دیدگاهی داشت، در یک فیلم دفاع مقدسی ظاهر شد و جالب آنکه برای «کیمیا»، دومین سیمرغ خود را هم دشت کرد؛ آن هم در فاصله پنج سال. با آن همه افتخار، پذیرفت که در «خانه سبز» بازی کند؛ سریالی که کارگردان سرشناسی را که به‌خوبی دید و در میان بازیگران هم فاقلگیری حسابی برای شکیبایی وجود نداشت. هم‌بازی او این بار نه بیتا فرهی سرشناس، بلکه مهرانه مهین‌ترابی وامید جوان گمنام بودند، اما مدلیل فیلمنامه خوب، پذیرفت که در این کار بازی کند. این شکل انتخاب و پاسکاری مداوم و میان سینما و تلویزیون، تا پایان در کارنامه شکیبایی استمرار یافت. به همین دلیل، نقش هایی را بازی کرد که به دل مردم نشست. در آن سال‌هایی که مردم، اقبال بیشتری به تلویزیون نشان می‌دادند و رقیب دیگری برای این مدیوم وجود نداشت، شکیبایی توانست در سریال‌های پرمخاطبی ظاهر شود که برای میلیون‌ها ایرانی خاطره‌سازی کرد؛ آنهایی هم که سینما رو بودند، چندین فیلم ماندگار از او دیدند که تاثیرگذار بود.

به‌کارگیری فرمولی جدید برای بازیگری

ورود شکیبایی به مقوله بازیگری حرفه‌ای، هم‌برای منتقدان خوشایند بود و هم‌برای مردم. شکیبایی در اجرا، فرمول ایتکاری جذابی داشت. توأمان از تکنیک و احساس بهره‌می گرفت؛ ولی فرمول راحتی در سرسخت‌ترین نقش‌ای خود نیز رعایت‌می کرد و تنها ضریب احساس را تغییر می‌داد. زیرکی او در این بود که چندان خود به‌چندان در نقش دمیدن نبود. شقی‌ترین نقش‌هایی که بازی کرد در دو فیلم «عاشقانه» و «اتیری» رقم خورد، اما در هر دو فیلم ببینید تا چه اندازه رافت دارد. این مهربانی، خیلی به‌چشم مردم می‌آید. ضمن آنکه شکیبایی در نقش آفرینی‌ها و بداهه‌پردازی‌های خود، نمایه کمیکی داشت که مردم آن را دوست داشتند. استفاده مستمر از دست‌ها و بازی خاصی که با موهایش انجام می‌داد، در کنار طنازی‌های که با لحن صدای خود داشت، سبب محبوب شدن بیشتر مخاطب می‌شد. شکیبایی در دهه ۶۰، سبک بازی نوینی را وارد سینمای ما کرده بود. از آن چهره‌های فتوژنیکی بود که خاص سینما به‌شمار می‌رفت. بازیگری در ذات او بود. همچنان که وقتی در سال‌های پایانی عمرش، بیماری بر او فائق آمده بود، زمانی که سد، دو یک کارگردان رامی‌شنید، آدم دیگری می‌شد و در قالب همان نقش بازی می‌کرد. تبحری مثال‌زدنی در تکنیک داشت. زبان بدن را می‌شناخت و متناسب با هر نقش، به آن فرم می‌داد. آنقدر بر فیلمنامه مسلط می‌شد که برای کامل‌ترشدن کاراکترش، همواره پیشنهاداتی برای کارگردان داشت. از دریچه خودش به نقش نگاه می‌کرد؛ سلیقه او موردپسند مردم و منتقدان بود و به‌همین دلیل است که عمده نقش‌های او با چراغ‌سبز منتقدان و مردم مواجه شد و باقی ماند.

دوری از حاشیه

شکیبایی یکی از معدود بازیگران تاریخ سینمای ماست که هیچ حاشیه‌ای از او به یادگار نماند. از نسل اول بازیگری در سینمای ایران تا همین امروز، حواشی، بخش جدایی‌ناپذیر هر بازیگری بوده است. مهم هم نیست که آن بازیگر در چه تراز‌ی از شهرت بوده باشد؛ از سوپراستار تا بازیگر نقش‌های فرعی، تمام‌شان به‌نوعی با حاشیه سروکار داشتند، اما شکیبایی حاشیه‌ای در بیش از دو دهه فعالیت حرفه‌ای، هیچ حاشیه‌ای را دامن نزد. چندان اهل مصاحبه نبود و دوستی عمیقی با عوامل سینما برقرار می‌کرد. رفتار یکسانی با طرفدارانش داشت و تا توانست از مهربانی و دوست داشتن صحبت کرد. کسانی که او را از نزدیک درک کردند، می‌دانند که وی تا چه اندازه مهربان بود و مهربانی خود را به دیگران هم سرایت می‌داد. مهربانی، نخستین مشخصه رفتاری‌اش بود. به‌همین دلیل، رفتار متناقضی از خود بروز نمی‌داد؛ همه‌جا خودش بود و همین ذهنیت تا پایان عمر، حاشیه‌ای را برایش رقم نزد.